

دین و زندگی ۳

قدرت پرواز/ ۳ از ۳

◆ **پندارهای غلط دربارهٔ قدر و قضای الهی:** ۱- ناسازگار بودن با قدر و قضای الهی ۲- تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است ۳- قدر و قضای الهی هر قانونی لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند.

◆ **اعتقاد درست دربارهٔ قدر و قضای الهی:** ۱- هر چیزی مهندسی و قاعدهٔ خاص خود را دارد و تمام جهان بر اساس قواعدی بنا شده و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است ۲- بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

◆ **امیرمؤمنان در پاسخ یکی از یاران که پرسیده بود:** یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی، پاسخ داد: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم».

◆ **برداشت نابجای آن شخص از قضا و قدر الهی این بود که:** ۱- ما هیچ اختیاری در تبیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم ۲- حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل بی‌فایده است.

دین و زندگی ۳

◇ امیرالمؤمنین با رفتار و سپس گفتار خود نگرش صحیح خود را از قضا و قدر نشان داد که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست بلکه عامل و زمینه‌ساز است.

◇ فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است که متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی سستی و کجی آن است.

◇ هرکس این دو تقدیر (کجی و سستی و محکمی) و این دو قضا (ریختن و یا نریختن دیوار) را بشناسد تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

◇ ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها: طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود.

◇ تقدیر شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود مانند: آب را در چه درجه‌ای به جوش می‌آید تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد است، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن از چه اعضای تشکیل شود و هر عضوی کدام کار را انجام دهد.

◆ یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار است، همان‌طور مثلاً به آب ویژگی مایع بودن را داده است. ویژگی مختار بودن را به انسان عطا کرده است.

◆ کسی نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند (خروج از تقدیر ناممکن است)

◆ رابطه اختیار انسان با اراده خداوند یک رابطه طولی است.

◆ **علل عرضی:** در پیدایش هر پدیده ممکن چند عامل به صورت مجموعه و یا همکاری یکدیگر مشارکت کنند مانند رویش گل (باغبان، خاک، آب، نور و حرارت) یا مثلاً در جابجایی یک گلدان بزرگ دو نفر مشارکت می‌کنند که هر یک از عوامل به طور مستقل و به طور مستقیم نقش خاصی بر عهده دارند.

◆ **علل طولی:** تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده اینگونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند (غیرمستقیم، غیرمستقل، غیرهمسطح).

◇ در مثال نوشتن اراده انسان از نفس و روح نشأت می‌گیرد و یک رابطه طولی دارند.

◇ در مثال پرورش گل، علت در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند) اما در مثال نوشتن علت‌ها در طول هم هستند در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است.

◇ وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست (قضا).

◇ خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.

◇ در مثل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد.

◇ اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته به اراده خداوند است یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.



مدرسه مجازی اینو